

بیماری‌های همه گیر در تاریخ ایران عصر قاجار

۱۰ تیر ۱۳۹۷ ساعت ۱۱:۴۸

حسام‌السلطنه در قحطی ۱۲۸۸ از خراسان به شاه می‌نویسد: «از هر صد خانه، هشتاد خانه آن مرحوم و متفرق شده و هنوز در کار تفرقه شدن هستند.»

کافه تاریخ- مقالات

طاعون، وبا، سل، بخران و... نامهایی آشنا در تاریخ معاصر ایران و در گذشته‌های نه چندان دور است. در زمانه‌های متعددی که کشور به دلیل ضعف سیاسی و یا دخالت کشورهای متجاوز با قحطی روبرو بود، گاه بیماری‌های واگیردار همچون وبا و طاعون در کنار مشکلاتی چون خشکسالی، بلای جان مردم گشته و بحرانی‌هایی را در تاریخ کشور ثبت کرده است. این بحرانها که در بیشتر مواقع با تلفات سنگین انسانی همراه بود، دلایل و پیامدهای خاصی به همراه داشته است که به برخی از این وقایع به صورت خلاصه اشاره می‌شود.

دوره قاجار و بروز بحرانها و بیماری‌های واگیردار

بعد از استقرار حکومت قاجار، کشور بارها با قحطی و بیماری‌های واگیرداری چون وبا و طاعون مواجه شد. چنانچه منابع مختلف از شیوع چندین مورد از وبای کوچک و بزرگ در سال‌های ۱۲۳۶-۱۲۵۰ و ۱۲۵۲ هجری در تهران و سایر شهرها خبر می‌دهند که البته به نقل از همان منابع کار خاصی از سوی حکومت‌ها برای پیشگیری و درمان انجام نمی‌گیرد، به گونه‌ای که در سال‌های ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۳ هجری شاه و درباریان قاجار برای مصون ماندن از بلای وبا به لواسان رفتند. ۱

اما گذشته از این حادثه، در دوره ناصرالدین شاه نیز شاهد بروز این اتفاق هستیم. بر این اساس به دنبال قحطی و خشکسالی در سال ۱۲۴۹-۱۲۵۰ ش بیماری‌های وبا و طاعون نیز گسترش یافت که به زعم بسیاری از محققان، بزرگترین و مرگبارترین رویداد بعد از حمله مغول است. پیامدهای این قحطی که عوامل آن ریشه در موارد متعددی چون صادر کردن غلات، اختصاص یافتن زمینهای کشاورزی به تریاک و.. داشت، بسیار هولناک و گسترده بود. چنانچه شیوع وبا و طاعون باعث کاهش شدید جمعیت در مناطق قحطی‌زده شد. حسام‌السلطنه در قحطی ۱۲۸۸ از خراسان به شاه می‌نویسد: «از هر صد خانه، هشتاد خانه آن مرحوم و متفرق شده و هنوز در کار تفرقه شدن هستند.» ۲ فاجعه انسانی این بحران به حدی گسترده بود که بسیاری میزان تلفات را تا ده میلیون نفر نیز برآورد کرده‌اند. با این حال، فاجعه صورت گرفته تنها به همین دوره محدود نماند و در سالهای بعد از آن نیز

چندین بار شیوع و گسترش یافت. در واقع «در دوره ناصر الدین شاه و پس از او تا پایان دوره قاجاریه فقط این دو بار قحطی طبیعی یا مصنوعی در ایران و تهران روی نداد بلکه هر چند سال یکبار قحطی گریبان مردم را می‌گرفت و تنها در این میان محترکان که از اشخاص ثروتمند و با نفوذ بودند از آن سود می‌بردند.»^۳ از جمله این قحطی‌ها، قحطی سال ۱۲۹۶-۱۲۹۸ است. بحران و بیماری وبا و طاعون در سال ۱۲۹۶-۱۲۹۸

با آغاز جنگ جهانی اول در اروپا در سال ۱۹۱۴، ایران در زمانه سلطنت احمدشاه قاجار و صدارت میرزا حسن مستوفی‌الممالک اعلام بیطرفی نمود؛ اما نیروهای متخاصم اروپایی بدون توجه به موضع ایران، مکرراً این بیطرفی را نقض کرده و از این حیث موجد لطمات جبران ناپذیری گشتند. بی‌شک فارغ از نقض استقلال سیاسی و اقتصادی کشور که تبعات آن تا روزگاری دراز بر کشور مستولی گردید، وقوع قحطی در سال ۱۲۹۶-۱۲۹۸ ش (۱۹۱۷-۱۹۱۹م) باعث شد تا بار دیگر یکی از بزرگترین فجایع تاریخ کشور یعنی قحطی، وبا و طاعون رقم خورد.

بسیاری معتقدند که تلفات انسانی این فاجعه نیز بسیار بالا بود. برخی از منابع از ارقام دو میلیون نفر صحبت می‌کنند و برخی تعداد کشته شدگان را تا ده میلیون نفر نیز برآورد کرده‌اند. علیرغم آنکه به دلیل نبود منابع مستند و کافی نمی‌توان آمار صحیح و دقیقی از میزان جان باختگان این حادثه ارائه داد؛ اما برخی معتقدند، «تلفات ایران [۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹] به روشنی بسیار فراتر از تلفات ارامنه در ترکیه و حتی بسیار فراتر از نسل‌کشی یهودیان توسط نازیهاست»^۴ زرین کوب در رابطه با تلفات انسانی این بحران می‌نویسد: «در نتیجه سال‌ها منازعات داخلی و خارجی، مخصوصاً در اثر بروز قحطی و بیماری واگیردار جمعیت به نحو بارزی به شدت کاهش پیدا کرده بود.»^۵ دلایل بروز این بحران نیز علاوه بر عوامل داخلی مانند قحطی، خشکسالی و... غلات توسط کشورهای خارجی جهت تأمین آذوقه مورد نیاز سربازان بود. گرچه عوامل داخلی چون خشکسالی، شیوع بیماری‌هایی چون طاعون، وبا، حصبه و نیز احتکار مواد غذایی توسط برخی از مقامات کشوری همچون احمد شاه در وقوع این حادثه بی‌تأثیر نبود؛ اما بی‌شک آنچه که این قحطی را به فاجعه تبدیل و بر شدت و گسترش آن افزود، حضور نیروهای استعمارگر و متخاصم اروپایی بود؛ زیرا قوای اشغالگر در طی زمان حضورشان در کشور، نیازهای غذایی خود را از ایران تأمین می‌کردند که با توجه به تعداد بالای اشغالگران، حجم بالایی از محصولات به مصرف آنها می‌رسید و حتی طبق برخی از اسناد به جا مانده، انگلیس، طی جنگ بخش مهمی از غلات ایران را به کشورهای دیگر همچون هند می‌فرستاد.

اما آنچه در باب این فاجعه شگفت‌انگیز است، ناشناخته ماندن و یا کمرنگ جلوه دادن این فاجعه در اسناد و مکتوبات تاریخی است که به نظر می‌رسد این موضوع از یک سو ناشی از شرایط بحرانی آن دوره و عدم وجود مراکز یا نهادهای آماري جهت به تصویر کشیدن واقعیات فاجعه می‌باشد، از سویی ناشی از اهمال و کوتاهی اشغالگران در ثبت جزئیات حادثه. با این حال آنچه مسلم است این است که در آن برهه زمانی این فاجعه به وقوع پیوست و تلفاتی را به جا گذاشت. البته داستان وبا و طاعون سالها بعد از آن نیز ادامه یافت و سقوط دولت قاجار نیز نتوانست آن را متوقف نماید. چنانچه در دوره پهلوی نیز بارها شاهد تکرار این حادثه هستیم که شاید مهم‌ترین آن بعد از اشغال کشور در سال ۱۳۲۰ باشد

اشغال کشور و بروز قحطی و بیماری

بعد از اشغال کشور توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰، بار دیگر قحطی، طاعون و وبا گسترش یافت. در این فاجعه که بخش عمده آن، به دلیل تجاوز کشورهای بیگانه بود، مشکلاتی در حوزه اقتصاد ایران به وجود آمد. در واقع «اشغال ایران باعث ایجاد اختلالات بسیاری در امر توزیع کالا، مواد اولیه، مایحتاج و ضروریات مردم شده بود.»^۶ در این حادثه هم طی درگیری‌هایی که بر سر نان و

مواد غذایی پیش آمد و نیز شیوع بیماری وبا و طاعون، چند صد نفر کشته و یا مجروح شدند. گرچه پیامدهای این بحران، مانند بحرانهای مشابه پیش از آن گسترده و فاجعه آمیز نبود، اما در نوع خود، قابل توجه و اهمیت است.

سخن نهایی

بررسی موضوع بیماری وبا و طاعون در تاریخ معاصر ایران نشان داد که این فاجعه همواره با به جا گذاشتن تلفات بزرگ انسانی، همواره موجد بحرانهای متعددی بوده است. این فجایع که در بیشتر موارد ناشی از قحطی، خشکسالی و حضور بیگانگان و اقدامات منفعتگرایانه آنها بوده نشاندهنده بی لیاقتی دستگاه سیاسی حاکم نیز است. دستگاهی که با تمرکز قدرت و فساد مسئولان در بیشتر موارد به جای آنکه در خدمت مردم و منافع سیاسی کشور باشند، خود عامل بروز و گسترش قحطی و بحران بوده‌اند.

فهرست منابع

۱. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، ج ۱، ص ۵۸۶
۲. داریوش رحمانیان و مهدی میرکیایی، «تأثیر خشکسالی و قحطی بر وضعیت مالکیت زمین در ایران عصر ناصری» مطالعات تاریخ اسلام، سال هفتم، شماره ۲۳، زمستان ۹۳، ص ۲۳۰
۳. حسین شهیدی، سرگذشت تهران، جلد ۱، نشر راه مانا، ۱۳۸۳، ص ۴۸۵
۴. محمدقلی مجد، بزرگترین نسل-کشی تاریخ معاصر دنیا قحطی بزرگ (۱۲۹۶-۱۲۹۸/ش/۱۹۱۷-۱۹۱۹م) ترجمه محمد کریمی، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی تهران، ۱۳۸۷، ص ۲۰
۵. عبدالحسین زرین کوب، روزگاران ایران، تهران، سخن، ۱۳۷۴، ص ۷۶۷
۶. صادق زیباکلام، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، ۱۳۲۰-۱۳۲۲، تهران، سمت، ۱۳۸۳، ص ۹۵

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۷۰۵۵/همه-بیمار-بها/۵۵>